

کانون وکلا

سال هفدهم

امرداد - شهریور ۱۳۴۴

شماره ۹۷

ابراهیم مهدوی

دفاع مشروع

موضوع دفاع مشروع یکی از مباحث بسیار دقیق و در عین حال مهم حقوق جزای عمومی است که اکثراً مورد ابتلاء محاکم و دادسراها نیز میباشد زیرا اغلب متهمین به جرائم آزاردهنده از قبیل قتل جرح و ضرب و غیره متوسل بدفاع مشروع میشوند.

در اینجاست که در حقوق جزای کشورهای زنده جهان و قوانین جزائی آنها بموضوع مذکور اهمیت خاصی داده و فروض و موارد دفاع مشروع قیود و شرائط و کیفیت آن بنحو روشن و مشروح بیان گردیده است

ولیکن در قانون جزای ایران برخلاف رویه معمول در کشورهای مذکور در این باب باجمال و اختصار بر گذار نموده و قانون گذار ایرانی برای اشکال و صور مختلفه دفاع مشروع و تعزیف و همچنین قیود و شرائط آن مواد صریح و جامع و روشن وضع و تصویب نکرده است.

قضات محاکم و دادسراهای ما بر اثر اجمال و اختصار قانون جزا ناچارند جهت تعیین تکلیف در موارد و صور و فروض مختلفه دفاع مشروع باصول و قواعد کلی و عمومیات مواد دیگر احیاناً برویه های تمیزی و قوانین و آراء دیوان کشور ممالک خارجی مراجعه نموده و بالاخره حکم قضیه را صادر نمایند.

در باب دفاع مشروع که حقاً یک مبحث وسیع و قابل توجیه و توضیح حقوق جزای عمومی است قانونگذار ایرانی عنایتی که در خورشان یک چنین

مسئله مهم باشد مبذول نداشته و پیش از چند ماده خیلی مجمل و مختصر و مبهم در آن وضع و تصویب نکرده است.

و چون بحث درباره موضوع مذکور از هر حیث شایان توجه بوده و محاکم و مراجع قضائی ایران هنوز در این باب بطور کامل روشن نشده است و بخصوص درباره تصویر و مجسم کردن حالات دفاع مشروع میزان تاثیر آن در اباحه عمل ارتكابی مدافع و یا در معافیت وی از مجازات آراء مشروح و مدلی صادر نگردیده است لذا اینجانب لازم میدانم که در حدود مطالعاتی در مسئله مورد بحث نموده توضیحاتی در باره آن بدهم و پیش از شروع به بیان مقصود متن مواد مربوط بدفاع مشروع را از روی قانون مجازات عمومی عیناً نقل مینماید.

ماده ۱۴۱ - « هر کس بر حسب ضرورت و برای دفاع و حفظ نفس و ناموس خود مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد (رجوع بفصل اول از باب سوم این قانون) و همچنین است کسیکه بواسطه اجبار و برخلاف میل خود مجبور بارتکاب جرم گردیده و احتراز از آن ممکن نبوده است مگر در مورد قتل که مجازات مرتکب تا سه درجه تخفیف داده خواهد شد . »

منظور قانون گذار از (رجوع بفصل اول از باب سوم این قانون) مراجعه بمواد ۱۸۴ الی ۱۹۱ قانون مجازات عمومی است که ذیلا متن آنها نیز نقل میشود .

« ماده ۱۸۴ - قتل و جرح و ضرب هر گاه در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود و با رعایت مواد ذیل مرتکب مجازات نمیشود مشروط بر اینکه دفاع متناسب با خطری باشد که مرتکب را تهدید میکرده است . »

ماده ۱۸۵ - در مورد هر فعلی که مطابق این قانون جرم بر نفس یا عرض محسوب میشود ولو اینکه از مأمورین دولتی صادر گردد استعمال هر گونه مقاومت و قوه برای دفاع از نفس یا عرض جایز خواهد بود برای دفاع از مال جایز است استعمال قوه لازمه برای رد هر فعلی که بموجب مواد ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ جرم محسوب شده است .

ماده ۱۸۶ « در مواقعی که توسل بقوای دولتی برای دفاع ممکن

باشد بدون اینکه وقت فوت شود و ضرری وارد آید موقعی برای عنوان دفاع نخواهد بود .

ماده ۱۸۷ مقاومت با قوای نظمی و امنیه در موقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند دفاع محسوب نمیشود ولی هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و برحسب ادله و قرائن موجوده خوف آن باشد که عملیات آنها موجب قتل و جرح یا تعرض بعرض گردد در این صورت دفاع در مقابل آنها نیز جایز است .

ماده ۱۸۸ در مقام دفاع از نفس و عرض در موارد ذیل قاتل عمد از مجازات معاف خواهد بود .

۱ - برای دفاع از قتل یا جرح شدید و ضرب و آزار شدید در صورتیکه خوف از این امور مستند بقرائن معقوله باشد

۲ - برای دفاع از کسی که در صدد هتک عرض و ناموس دیگری باکراه و عنف برآید

۳ - برای دفاع از کسیکه در صدد سرقت و ربودن انسان برآید .

ماده ۱۸۹ قتل عمد در مقام دفاع از مال در موارد ذیل مجازات نخواهد داشت .

اول در موارد مواد ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ .

دوم - در مورد ورود در منزل مسکون یا ملحقات آن در شب بوسیله بالارفتن از دیوار یا شکستن درب و یا امثال آن .

سوم - هر فعلی که برحسب قرائن معقوله موجب خوف قتل یا جرح شدید یا ضرب و آزار شدید باشد .

ماده ۱۹۰ اگر دفاع برای جلوگیری از سرقتی باشد که در غیر مواد ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ مذکور است یا برای جلوگیری از هر جرم دیگری نسبت باموال باشد مجازات مرتکب قابل تخفیف است .

ماده ۱۹۱ در مورد ماده قبل هرگاه جنایت مرتکب مستوجب اعدام و یا حبس دائم با اعمال شاقه باشد مجازات تادیبی از یک تا سه سال برای او مقرر میشود و اگر مستوجب حبس غیردائم بوده حبس تادیبی از ششماه الی

دو سال خواهد شد داشت . و اگر تقصیر او فقط جنحه باشد از یک الی شش ماه
حس خواهد بود .

بطوریکه ملاحظه میشود مواد فوق الذکر از قانون مجازات عمومی
ایران که از طرف قانون گذار ایرانی در باب دفاع مشروع وضع و تصویب شده
فوق العاده سبهم و بجمل میباشند که بهیچ وجه کافی برای تعیین تکلیف همه صور
و اشکال و فروض آن نبوده از حیث بیان مفهوم درست دفاع مشروع و موضوع و
ماهیت و موارد و شرائط و قیود آن نیز بکلی سبهم و نارسا هستند .

در مواد مذکور توجهی به مفهوم جمله دفاع مشروع نشده است
و با عملی که از نظر قانون گذار جرم و قابل مجازات بوده عنوان دفاع اعطاء شده است
و حال آنکه بارتکاب جرم و انجام عمل نا مشروع و خلاف قانون مفهوم دفاع مشروع
صادق نمیتواند باشد .

بنا بر مراتب و بطوریکه بیان شد توضیح در اطراف دفاع مشروع کمال
ضرورت را دارد و ما در این رساله نکات و مطالب زیر را مورد بحث و توضیح
قرار میدهیم .

۱ - معنی لغوی دفاع

۲ - تعریف حقوقی دفاع مشروع .

۳ - دفاع حق است یا تکلیف ؟

۴ - دفاع منحصرأ حق کسی است که در معرض تهدید و خطر و تعدی

قرار گرفته و با اینکه ثالث هم میتواند از او دفاع نماید ؟

۵ - دفاع از اسباب اباحه عمل مجرمانه است و یا اینکه فقط موجب

سقوط مجازات از مرتکب آن میباشد ؟

۶ - آیا دفاع از تمام جرائم مشروع و جایز است و یا اینکه مخصوص

بجرائم خاصی است ؟

۷ - دفاع متناسب کدام است ؟

۸ - دفاع از خطر سوهوم و خیالی چه حکم و تکلیفی دارد ؟

۹ - دفاع از خطر مستقبل جایز است یا نه ؟

۱۰ - شرائط دفاع مشروع کدامند .

دفاع مشروع

- ۱۱ - دفاع از جرم غیر عمدی جایز است یا نه ؟
- ۱۲ - اباحه عمل و یا معافیت از مجازات لازمه وجود واقعی حالت دفاع است و یا اینکه توجه مرتکب بآن شرط است ؟
- ۱۳ - در مواردیکه متهم در مقام دفاع از خود بدفاع مشروع استناد نمیکند و یا اساساً منکر ارتکاب عمل انتسابی است محاکم چه تکلیفی دارند ؟
- ۱۴ - دفاع از اعمال مأمورین موظف با شرائطی مشروع است ؟
- ۱۵ - تضادها و اشکالات موجوده در مواد مربوط بدفاع مشروع در قانون مجازات عمومی .

مطلب اول معنی لغوی دفاع

کلمه (دفاع) مصدر میباشد و بمعنی حمایت کردن - نجات دادن - ادا کردن - رد نمودن - جلوگیری کردن - مانع شدن آمده است .
و در باب دفاع مشروع منظور از کلمه مذکور همان دفع ضرر و جلوگیری از خطر میباشد و باعمال انتقام جویانه و مقابله بمثل دفاع اطلاق نمیشود .

مطلب دوم تعریف حقوقی دفاع مشروع

از نظر عرف حقوق جزای عمومی ممکن است دفاع مشروع را بدین نحو تعریف کرد که آن عبارت است از هر عملیکه شخص بمنظور جلوگیری از خطر جانی یا ناموس و حیثیتی یا مالی و یا خطر جرح شدید و آزار و ضرب شدید که از طرف ثالثی بدون مجوز شرعی متوجه خود او و کسانش میباشد مرتکب میشود .

مطلب سوم ماهیت دفاع مشروع

در باب بیان ماهیت دفاع مشروع و اینکه چه عنوانی از عناوین بآن صادق است علما و دانشمندان حقوق جزا اتفاق کلمه نداشته و عقاید و نظرات مختلف دارند .

عدهای از آنها تصور کرده اند که دفاع مشروع یک نوع حق شخصی است برای کسیکه در معرض خطر تعدی و تجاوز دیگران قرار گرفته است و حتی

قانون جزای بعضی از کشورها از دفاع مشروع بحق دفاع تعبیر کرده و آنرا حق شخصی دانسته است (۱).

و جمعی دیگر دفاع مشروع را یک نوع تکلیف واجب و الزامی برای کسیکه در معرض تعدی و تجاوز نامشروع دیگری قرار گرفته است و در قوانین بعضی از کشورها نیز از آن به تکلیف دفاع تعبیر شده است.

و جماعتی از علمای حقوق جزا تصور کرده‌اند که دفاع مشروع وظیفه و مأموریتی است که قانونگذار بکسانی که مورد تعدی و تجاوز نامشروع دیگری واقع میشوند و دست‌رسی بدستگاه انتظامی و مأمورین مربوطه ندارند و از استمداد از آنها جهت رفع خطر از خود برایشان ممکن نیست مأموریت داده و آنها را موظف کرده است که از خودشان در برابر خطر دفاع نموده و وظیفه مأمورین انتظامی و پلیس را خودشان انجام دهند ولی با ملاحظه مواد قانونی مربوط بدفاع مشروع و باتوجه باصول و قواعد کلی حقوقی هیچیک از تعبیرات و عناوین مذکور بامفهوم دفاع مشروع تناسب و ارتباط ندارند زیرا اولاً دفاع مشروع حق شخصی نمیباشد هرگاه دفاع مزبور حق شخصی تلمتی گردد لازم میآید که طرف مقابل قانوناً ملزم برعایت و احترام حق مذکور باشد و حال آنکه این معنی اصولاً معقول نیست و ثانیاً لازمه عقیده باینکه دفاع مشروع وظیفه و تکلیف کسی است که در معرض خطر و تهدید قرار گرفته است این است که مشارالیه قانوناً ملزم بدفاع خودش میباشد و ترک آن از طرف نامبرده گناه و تخلف از قانون است و حال اینکه هیچ ماده و اصل قانون دایر بالزام مشارالیه بدفاع وجود ندارد و حداکثر دلالت مواد قانونی مربوط بدفاع مشروع بر ثبوت جواز دفاع است و ثالثاً این مطلب نیز کاملاً واضح و روشن است که مدافع از خود و یادگیری وظیفه مأمورین انتظامی و پلیس را انجام نمیدهند بلکه او فقط از خطر بجان و یا عرض ناموس و یا ضرریکه باسوالش متوجه است دفاع و جلوگیری میکند.

و شاید در آن حال مخصوص اساساً به مشروع بودن دفاع خود نیز توجه ندارد و بان آگاه نمیباشد و صرفاً بفرمان غریزه و نیروی حفظ جان و دفاع

از منافع و مصالح خود که آفرینش در هر موجود زنده‌ای قرار داده است بدفاع از خود اقدام مینماید.

نهایت در یک چنین حالتی که شخص مذکور در معرض تعدی و تجاوز نامشروع دیگری قرار گرفته است قانون با اجازه میدهد که اگر استمداد از دستگاه انتظامی و پلیس برایش ممکن نباشد شخصاً از خودش دفاع کند و در چنین حالتی اعمالی که نامبرده بعنوان دفاع بمنظور دفع خطر مرتکب میشود مجازات ندارد.

مضافاً بر اینکه اعمال ارتكابی شخصی که در مقام دفاع است از هیچ جهت شباهتی با اعمال مأمورین انتظامی و پلیس ندارد.

و بعلاوه مأمورین انتظامی کشور در صورت اطلاع از حدوث حادثه و وقوع جرم مکلف و موظفند که بجلوگیری از حادثه و حمایت از مجنی علیه قیام و اقدام نمایند و عدم اقدام از ناحیه نامبردگان تخلف از قانون بوده و قابل تعقیب میباشد و حال آنکه خود کسی که در معرض خطر قرار گرفته چنین تکلیف و الزام ندارد.

بنا بر مراتب مذکوره دفاع مشروع حق شخصی مدافع نبوده و نیز تکلیف و وظیفه قانونی او هم نیست و همچنین نامبرده در مقام دفاع از خود وظیفه مأمورین انتظامی را انجام نمیدهد و وظیفه مأمورین مرقوم هنگام دفاع بوی تفویض نشده است.

و بعضی دیگر از علمای حقوق جزا میگویند که دفاع مشروع نوعی اجازه و ترخیص است که قانون گذاران برای کسانی که از طرف دیگری وبدون مجوز مشروع مورد تعدی و تجاوز قرار میگیرند با شرائطی مقرر داشته‌اند.

مطلب مذکور هرچند که نسبت بعناوین فوق الذکر تا حدی معقول و قابل قبول بنظر میرسد ولیکن آنهم صحیح نیست و ماهیت دفاع مشروع اجازه و ترخیص در ارتكاب جرم نمیباشد زیرا اجازه و ترخیص ارتكاب جرم از طرف هیچ قانون گذاری ممکن نیست چه اگر فرض شود که قانون گذار با حفظ جرم بودن عمل مدافع آنرا ترخیص کرده است این یک نوع تناقض و محال است بعلت اینکه اگر عمل مزبور ممنوع و جرم است پس ارتكاب آن مجار و برخس نمیباشد و اگر ارتكاب آن مجاز وبدون مانع است پس جرم نیست.

بنظر من دفاع مشروع حق کسانی است که بناحق وبدون مجوز مشروع در معرض خطر تعدی و تجاوز از ناحیه دیگری قرار میگیرند ولیکن نه حق بمعنی مصطلح در عرف حقوقیون بلکه بمعنی همان حق طبیعی ولی ناشی از موجودیت مخصوص که در ادوار و قرون پیش از پیدایش قوانین و مقررات موضوعه وجود داشته است و بموجب آن هر موجود زنده بمنظور دفاع از هستی و منافع خودش میتواند است بهر عملیکه مناسب با دفاع و حصول منظور بداند مرتکب بشود.

و چون مطلب عنوان شده و تشخیص ماهیت دفاع مشروع از هر حیث دارای اهمیت و قابل توجه میباشد و یا تشخیص درست آن مشکلات زیادی حل خواهد شد لذا لازم میدانم درباره آن توضیحات بیشتری بدهم. شک نیست که بشر ادواری را پشت سر گذاشته است که در آن هیچ نوع آئین و مقررات و قانون نبوده و اساساً اجتماعات بشری هنوز شخصیت حقوقی و موجودیت پیدا نکرده بوده و در ادوار مذکوره حفظ حقوق و دفاع از جان و مال مردم با خودشان بوده است.

و به تدریج و بمرور صدها سال بدو جمعیتها و سپس آداب و رسوم و مقررات و قوانین پیدا شد و افراد مردم در زیر حمایت قانون و مقامات رسمی قرار گرفتند و آن حق اولی طبیعی افراد مقامات مسئول جامعهها منتقل شد و بعد از تحول مذکور دفاع و انتقال و قصاص شخصی شکلی از بین رفت و کسانی که مورد تعدی و تجاوز قرار میگیرند.

مقامات مسئول کشورها از آنها حمایت نموده و متعديان و جنایتکاران را تنبیه و حقوق زیان دیده گانرا وصول و ایصال مینماید.

بنابراین دفاع در برابر خطرات جانی و یا ناموس و مالی از حقوق اولیه و طبیعی هر انسانی بوده که برای حفظ جان و ناموس و منافع مشروع میتواند است از وسایل ممکن و مؤثر در دفاع استفاده نموده و خطر را از خود دور نماید حق مزبور از حقوق طبیعی و ذاتی هر موجود زنده بوده و در میان همه اقوام بشر و بلکه همه حیوانات هم شناخته شده بوده که بعد از پیدایش جامعهها و گرایش بشر به تمدن و تقسیم کارهای اجتماعی بمقامات انتظامی و مراجع قضائی انتقال یافت.

مراجع مذکور در حقیقت در استفاده از حق دفاع طبیعی اولی مرقوم جانشین خود افراد شدند و چون با وجود مقامات مسئول فوق الاشعار افراد مردم دیگر

نیازی باقدام شخصی ندارند و کافی است که مقامات نامبرده را از ماجرا مستحضر سازند لذا دفاع یا اکتفال و قصاص شخصی ممنوع گردید.

ولی ممنوعیت مذکور تا جائی است که استمداد از دستگاه‌های انتظامی برای کسانی که در معرض خطر قرار گرفته‌اند ممکن باشد و هرگاه آنها در موقعیتی باشند که استمداد از دستگاه‌های مذکور برایشان مقدور نیست در آن شرط محدودیت و ممنوعیت از استفاده از حق طبیعی اولی دفاع از خود در باره آنها منتفی خواهد بود.

زیرا وقتی شخص امکان مراجعه و استمداد از مراجع انتظامی و پلیس کشور را ندارد مثل این است که از جامعه جدا شده برای دفع خطر از خود چاره‌ای جز استفاده از نیروی شخصی خود ندارد در چنین صورتی محدودیت قانونی از بین می‌رود و اقدام بدفاع شخصی در اباحه اولی خود باقی خواهد بود.

و عبارت واضحتر جرم و ممنوع بودن اعمالی که در مقام دفاع از شخصی سر می‌زنند مشروط باین است که شخص مذکور بتواند از دستگاه‌های انتظامی جهت رفع خطر و تعدی از خودش استفاده نماید. و وقتی شرط مذکور منتفی شد طبعاً جرم بودن اعمال مذکور و ممنوعیت آنها نیز منتفی خواهد شد و اصل جواز و اباحه اولیه طبیعی بجای خود باقی خواهد بود. و بالاخره قوانین جزائی بمورد دفاع مشروع اساساً شامل نیستند.

یک نکته مهم

از مطالبی که فوقاً بیان شد به یک نکته و مطلب بسیار مهم متوجه می‌شویم و آن این است که رعایت قوانین و مقررات اجتماعی و بخصوص قوانین و نظامات مربوط بدستگاه‌های انتظامی و قضائی و اساسی هستی و بقاء جامعه‌های بشری است و اگر قوانین مذکوره بدرستی رعایت نشوند و اگر مقامات انتظامی و قضائی کشوری و وظائف خودشان را بدرستی انجام ندهند در آن صورت متوسل بدفاع و حتی انتقام و قصاص شخصی جایز و مباح خواهد شد.

زیرا بطوریکه شرح دادیم دفاع از جان و ناموس و مال از حقوق طبیعی و ذاتی اولیه فرد زنده بوده است که در جامعه‌های متمدن حق مزبور مطابق قوانین خاصی بهیئت‌های حاکمه و نماینده جامعه سپرده شد بر طبق مقررات قانون سازمانهای

انتظامی و قضائی از حقوق مردم و جان و مال و عرض آنها در برابر متجاوزین دفاع نمایند و امنیت اجتماع را فراهم نموده و از هرج و مرج و اغتشاش جلوگیری نمایند و از این نقطه نظر اقدام بدفاع شخصی از طرف مردم ممنوع گردید.

ولی اگر در جامعه‌ای قوانین اجتماعی که حدود و حقوق و وظائف افراد را تعیین کرده‌اند رعایت نگردید طبعاً قوانین مذکور بلا اثر و کان لم یکن خواهند بود و جامعه بصورت یک اجتماع وحشی در خواهد آمد و اگر سازمانهای انتظامی و قضائی کشوری نسبت بوظائف خاص خودشان بی‌اعتنائی نشان دادند و مردم نتوانستند جهت دفاع از تعدیات متجاوزین از وجود آنها استفاده کنند در این صورت بود و نبود آنها بی تفاوت خواهد شد و مردم واقعاً فاقد سازمانهای انتظامی و قضائی میشوند و برای جلوگیری از خطر جنایت کاران پناه گاهی نخواهد داشت طبعاً باید خود بدفاع شخصی بپردازند.

زیرا آنها هرچند که بظاهر در یک مجتمع متمدن و دارای قوانین و نظامات و سازمانهای انتظامی و قضائی زندگی میکنند ولی از لحاظ اینکه قوانین و مقررات رعایت نمیشود و سازمانهای مربوطه و وظائف قانونی خودشان را بدرستی انجام نمیدهند. افراد در حقیقت در یک محیط بدوی زندگی میکنند و برای آنها دفاع شخصی مانند انسانهای قرون وسطی مباح خواهد بود.

و بدیهی است که در یک چنین اوضاعی جامعه بنا بر بدی کشیده، خواهد شد و برای جلوگیری از این قبیل پیش آمدها باید قوانین و نظامات اجتماعی بنحوی کامل رعایت گردند و سازمانهای مسئول تأمین امنیت و عدالت اجتماعی و قضائی و وظائف قانونی خودشان را بدرستی انجام بدهند.

و بهر حال نتیجه بحث سوم بطور خلاصه این است که دفاع مشروع اصولاً مشمول قوانین کیفری نمیشود زیرا اقدام بدفاع با وجود شرائطی جایز است که منجمله از آنها این است کسانی که در معرض خطر و ضرر قرار گرفته‌اند دست رسی به سازمانهای انتظامی و پلیس نداشته و از استمداد از آنها محروم باشند و از نظر اینکه در چنین شرائطی اشخاص نامبرده مانند کسانی هستند که در محیطی محروم از قانون و مراجع قانونی زندگی میکنند و مطابق شرح بالا باعمال آنها که در مقام دفاع از خود مرتکب میشوند قوانین کیفری شامل نیست و دفاع در برابر تعدی دیگری برای آنها یک کار طبیعی است بنا بر مراتب اعمالیکه در مقام دفاع

با رعایت تمام شرایط و قیود و ارکان دفاع مشروع ارتکاب میشوند اصولاً جرم نمیباشد و منع قانونی ندارند .

مطلب چهارم - دفاع مشروع منحصر آ حق طرف و هدف جرم و خطر است ؟

از ظاهر عبارت ماده ۱ و قانون مجازات عمومی که متن آن در بالا نقل شد این طور استنباط و استناد میشود که دفاع مشروع فقط حق کسی است که هدف جرم و جنایت قرار گرفته است و دفاع از ثالثی که در معرض تعدی مجرمانه دیگری واقع شده جایز نمیباشد و مشروع نیست زیرا ماده مرقوم تصریح میکند باینکه (هر کس بر حسب ضرورت و برای دفاع و حفظ نفس و ناموس خود الخ .) و کلمه خود دلالت دارد باینکه هر کس برای دفاع از نفس و ناموس خودش مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد .

ولی چون در ماده ۱ و مرقوم گفته شده است که (بفصل اول از باب سوم آن قانون رجوع شود) معلوم میشود که قانون گذار تفصیل دفاع مشروع و چگونگی و اقسام آنرا در باب و فصل مذکور بیان خواهد کرد .

و در فصل فوق الذکر بشرح ماده ۱۸۴ دفاع را بطور اعم جایز شمرده و مقرر میدارد (قتل و جرح و ضرب هر گاه در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود با رعایت مواد ذیل مرتکب مجازات نمیشود) .

با این ترتیب و مطابق صریح ماده ۱۸۴ مرقوم از نظر قانون جزای ایران دفاع از جان و عرض و مال دیگری هم با رعایت مواد قانونی مورد نظر جایز و مشروع است و هر گاه کسی در مقام دفاع از جان و یا عرض و یا مال دیگری هم مرتکب قتل و یا ضرب و یا جرح بشود از مجازات معاف است .

در قوانین جزائی کشورهای دیگر نیز دفاع از جرم متوجه بد دیگری تجویز شده است و ماده ۵ و ۶ قانون مجازات مصر این طور تنظیم شده است (الا عقوبه مطلقاً علی من قتل غیره و اصابه بجراح او ضربه اتنا استعمال حق الدفاع الشرعی عن نفسه او ماله او عن نفس غیره او ماله) کسیکه در مقام دفاع مشروع از جان و یا مال خود و یا بمنظور دفاع از جان و مال دیگری مرتکب قتل و یا جرح و ضرب بشود مطلقاً مجازات نخواهد شد در بحث دو مطلب سوم توضیح دادیم که بعضی از علمای

حقوق دفاع مشروع را حق و بعضی دیگر آنرا وظیفه و جماعتی عقیده دارند که مدافع وظیفه مأمورین انتظامی و پلیس را انجام میدهند و نیز در ضمن همان توضیح بیان کردیم که ماهیت دفاع مشروع همان اباحه و جواز اولی طبیعی است که پیش از پیدایش قوانین و نظامات برای هرفردی بود و میتواندست از جان و عرض و مال و منافع خود در برابر متعدیان دفاع نماید و این بحث در مورد دفاع از جرائم و خطرات متوجه بغیر نیز عیناً جاری است و عقیده نویسنده در ماهیت دفاع از غیر نیز همان است که در توضیح ماهیت دفاع مشروع بیان کرده است.

و همانطوریکه در بحث مذکور شرح دادیم دفاع مشروع از خود نه حق است و نه تکلیف و همچنین شخص مدافع از خود وظیفه پلیس را انجام نمیدهد در دفاع از غیر هم همین عقیده را تأیید میکنیم.

زیرا اولاً حق عبارت است از یک نوع رابطه و اضافه بین دو شخص و یا یک شخص و شیئی دیگر مانند حق دین که دائن نسبت بمدیون دارد و یا حق مالکیت که اشخاص نسبت باسوال منقول و غیرمنقول ممکن است داشته باشند و شک نیست که چنین رابطه‌ای فیما بین شخص مدافع کننده از غیر و بین او و شخصیکه او را تهدید میکند وجود ندارد و ثانیاً دفاع از خود و یا دیگری تکلیف الزامی و واجب نمیباشد و ثالثاً هیچ مقام قانونی و هیچ ماده قانونی کسی را که از خود و یا دیگری دفاع میکند مأمور پلیس معرفی نکرده است و رابعاً چون بشرحیکه گذشت دفاع مشروع اصولاً منع قانونی ندارد مشمول قوانین جزائی نمیباشد.

بنابراین چون منع نداشته ترخیص در آن هم مورد ندارد.